

زنگ خطر همه گیری بی تفاوتی در جامعه



بی تفاوتی به تذکر دادن

شلنگ آب را باز می گذارد و با خیال راحت خودروش را می شوید. هفته ای یکی دوبار همین کار را انجام می دهد. آدم های زیادی در خیابان از کنارش می گذرنند، از عریسه ای که تلاش می کند

جوری رد شود که خیس نشود می کند و می رود، اما هیچ کس به او اعتراض نمی کند که به جای اینکه این همه آب شرب را هدر بدهی، می توانی با یک سطل آب و یک



دستمال هم خودرو را تمیز کنی. هیچ کسی در قبال این اسراف و هدر رفت آب به او تذکر نمی دهد.

بی تفاوتی به بی عدالتی

در صف نانوائی ایستاده ای، از آن صف های بلندی که ابتدایش در مقابل درناوائی است و انتهایش به جمعیتی ختم می شود که نامنظم و درهم ایستاده اند و هر کدام سرک می کشند تا ببینند بالاخره کی نوبتشان می شود. شاطر بعضی نان ها را سبک و سنگین

می کند و روی دیوار کناری به میخ می زند و تعدادی را هم روی میز طرف دیگر می گذارد. بعد هم نان ها را روی هم می چنبد و یک نفر از در پشتی وارد نانوائی می شود و بعد سلام و علیکی می کند و راز بر بخلش می زند و می رود، اما هیچ کس به شاطر اعتراض نمی کند که چرا به جای



راه انداختن مشتری هایی که در صف ایستاده اند، نان های گرم، نان ها را زیر بخلش می زند دیگری دادی. و این اتفاق بارها دیده می شود.

بی تفاوتی به حقوق شهروندی

همیشه عادت دارد قبل رفتن به محل کار، وقتی با خودرو از پارکینگ آپارتمان بیرون می آید، در خودروش را باز کند و پلاستیک زباله را از پنجره خودرو کنار پیاده رو بیندازد و ببرد. نتنها این موضوع برایش مهم نیست که این ساعت از روز

زمان گذاشتن زباله دم در نیست، بلکه آلودگی ناشی از پاره شدن پلاستیک زباله و تجمع گر به ها و پخش شدن زباله ها در پیاده رو هم برایش اهمیتی ندارد. این رفتار را شبیه عادتی هر روزه تکرار می کند و همسایه ها هم هیچ وقت به صورت فردی یا جمعی به این



رفتار اعتراض نمی کنند، در حالی که آلودگی محیط و چهره نا زیبایی که به فضای مقابل آپارتمان می دهد، برای همه ساکنان آسیب زاست.

بی تفاوتی به ظلم کردن

نزدیک ترین مغازه ای است که همه می توانند مایحتاج روزمره شان را از آن خرید کنند. برای مغازه بعدی باید مسافت بیشتری را طی کرد و این مسئله برای سالمندان محله که خرید هایشان را خودشان انجام می دهند، کاری سخت است. مغازه دار هم که این را می داند، سوء استفاده می کند

و روی قیمت ها می کشد و هیچ کالایی را با قیمت درج شده روی آن نمی فروشد. یکی دو نفری هم که اعتراض کنند، دعوا راه می اندازد و حواله شان می دهد به مغازه های دیگر که مجبور نیستید از من خرید کنید. اما بقیه، هر روز بی تفاوت به گران فروشی به خرید هایشان ادامه می دهند



و مغازه دار هم به سوء استفاده از ساکنان محله. هیچ کس هم تخلفش را گزارش نمی دهد که با برخورد قانونی دست از این کار بردارد.

بی تفاوتی به نهی از منکر

حوالی نیمه شب، درست زمانی که بیشتر افراد برای استراحت آماده می شوند، صدای ضبطش رابلند می کند و آهنگ می گذارد! بعضی وقت ها خودش هم با آهنگ می زند زیر آواز، تازه اگر رفقایاش هم آمده باشند و وره می باشد که این سرو صدا تا خود صبح ادامه

دارد. کسی هم جرئت اعتراض ندارد که نکند برای همسایه ها درد سر درست کند و به کسی آسیب بزند. خودش هم که معتقد است چهار دیواری اختیاری است و حریم خصوصی زندگی اش به کسی ربطی ندارد، اما این مردم آزاری، آسایش همسایه ها



را گرفته است و هیچ کسی حاضر نیست برای تذکر جدی و قانونی اقدامی بکند.

بی تفاوتی به حقوق خود

هر روز همین مسیر را با تاکسی خلی طی می کنیم با خودرو های که باید مسیر مشخصی را با هزینه معینی بروند و بازگردند. بعضی راننده ها در این مسیر به جای رانندگی، پرواز می کنند تا مسافر را زودتر به مقصد برسانند و هزینه

را بگیرند و برگردند تا در نتیجه سرویس های بیشتری بروند. بیشتر مسافرها هم چون عجله دارند، اعتراضی نمی کنند، نه به تخلف های راننده به دلیل سبقت ها و سرعت غیرمجازش، نه به رانندگی پر خطری که دارد.



بی تفاوتی مسافرها این فرصت را برای برخی راننده ها فراهم می کند که به راحتی حقوق مسافران را زیر پا بگذارند.

بی تفاوتی اجتماعی؛ آسیب پذیری مردم و جامعه

بررسی یک معضل اجتماعی در گفت و گو با دکتر حامد بخشی، جامعه شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی

جهان بخش ا پیش از بررسی

واکاوی یک معضل اجتماعی باید آن را بشناسیم و تعریفی از آن داشته باشیم. مقوله

بی تفاوتی اجتماعی نیز اگر چه موضوعی کلان و مفصل است، به نظر می رسد در مواردی که با زندگی روزمره همه ما گره خورده است، تعریفی

مشترک و روشن داشته باشد. در این باره، گفت وگویی با حامد بخشی، دکترای جامعه شناسی دانشیم که ابعاد این موضوع را بررسی می کند. این استاد دانشگاه درباره تعریف بی تفاوتی اجتماعی می گوید: وقتی از بی تفاوتی اجتماعی صحبت می کنیم، به عنوان مفهومی منفی به آن می پردازیم و باید ببینیم که این بی تفاوتی اجتماعی به معنای برآورده نساختن کدام انتظار اجتماعی مطرح می شود. یک معنادار به انتظار اجتماعی است که انسان ها از یکدیگر دارند که از کنار ناراحتی ها، آسیب ها و رنج های یکدیگر بی تفاوت نگذرنند. به عبارت دیگر ما دوست داریم در جامعه ای زندگی کنیم که اگر به مشکلی خودریم، نزدیکان، همسایگان، همکاران و... نسبت به آن مشکل بی تفاوت نباشند و ابراز همدلی و هم دردی بکنند. اگر کمکی از دستشان برمی آید، دریغ نکنند. مردم چنین جامعه ای را که این گونه نیست، بی تفاوت اجتماعی توصیف می کنیم. این جامعه شناس به پیمای بی تفاوتی اجتماعی در معنای اول اشاره و بیان می کند: جامعه ای

است. یعنی افراد چنان درگیر نیازهای شخصی و فردی خود می شوند که دیگر جایی برای سلسله مراتب بعد از آن که در آن ها احساس احترام و شکوفایی اجتماعی است، نمی ماند. بی نظمی اجتماعی که یکی از ریشه هایش به هم ریختگی و آشفتگی معیشتی است، موجب می شود هر فردی در لاک خودش فرو برود و صرفاً به فکر منافع خودش باشد و این امر، چرخه را تشدید می کند و فرد با خود می گوید «زمانی که دیگری به فکر من نیست، من چرا به فکر او باشم».

وی در ادامه می افزاید: البته مفهوم بی تفاوتی اجتماعی گسترده است، اما آنچه ناظر به جامعه ماست و در حوزه علل اصلی می توان مطرح کرد، همین است که زمانی که یک جامعه در حالت طبیعی مردم یک جامعه نسبت به آنچه به عنوان ارزش ها و هنجارها و فرهنگ خود پذیرفته اند، حساس هستند و دوست ندارند دیگران آن را نقض کنند. نسبت به هم نوعانشان حساس هستند، احساس همدلی و هم دردی می کنند و از این احساس هالذت می برند و حس ارزشمندی به آن ها دست می دهد.

● فردگرایی افراطی، نتیجه بی تفاوتی اجتماعی بخشی در پاسخ به اینکه «چرا جامعه ای به چنین ورطه ای می افتد؟» بیان می کند: یکی از مواردی که چنین مسئله ای را ایجاد می کند، آشفتگی ها باشد. جامعه را به فردگرایی مفرط تشویق می کند که این فردگرایی معادل و مطابق با بی تفاوتی اجتماعی است و به آن منتهی می شود.

● حساسیت فرهنگی در مقابل به بابی تفاوتی

وی درباره مقوله امر به معروف و نهی از منکر که در مقابل بی تفاوتی اجتماعی است، اظهار می کند: آنچه امروزه در جامعه ما به عنوان امر به معروف و نهی از منکر بیان می شود، زیر همین مقوله عمومی است که در همه جوامع وجود دارد و از افراد جامعه خواسته می شود نسبت به زیر پا گذاشتن ارزش ها و هنجارهای فرهنگی خود حساس باشند، مثلاً درباره پوشش، چنانچه فردی برهنه در خیابان ظاهر شود، در همه جوامع با واکنش مردم روبه رو می شود. این یعنی مردم نسبت به هنجار پوشش پیدا می کنند. بنابراین، بی تفاوتی اجتماعی زمانی که به معنای بی تفاوتی فرهنگی لحاظ می شود، امری دوجبه ای است. چنانچه خیلی زیاد شود، یعنی افراد خیلی نسبت به مسائل فرهنگی خودشان بی تفاوت باشند، موجب استحاله فرهنگی و از بین رفتن فرهنگ می شود و زمانی که خیلی کم می شود، یعنی حساسیت

می توانند به رفتارهای ناهنجار بیشتری ولو به صورت شخصی و فردی که به کسی لطمه هم نمی زند، ادامه دهند. در نتیجه، الگوهای غالب اجتماعی که ما از آن ها به عنوان فرهنگ نام می بریم، تضعیف می شوند. در این معنا، بی تفاوتی اجتماعی به معنای آن است که افراد یک جامعه نسبت به ارزش ها و هنجارها و باورهای فرهنگی آن جامعه بی تفاوت باشند. زیر پا می گذارد و خلاف آن ها عمل می کند، و واکنشی نشان نمی دهند و می گویند: «به من ارتباطی ندارد».

این جامعه شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی در بیان دیگر درباره پیمایدهای بی تفاوتی اجتماعی و تأثیر آن بر فرهنگ جامعه می گوید: چنانچه مردم یک جامعه نسبت به فرهنگ و الگوهای جمعی خود بی تفاوت باشند، این فرهنگ خیلی سریع تغییر می کند و اساساً ممکن است دیگر به الگوی فرهنگی که در جامعه غالب باشد، نرسیم و کارکردهای فرهنگ که برای ما یک الگوی جمعی می سازد را از دست بدهیم.



گفت و گو